

تسمت‌هایی از دفاعیات

مجاهدین خلق ایران

۱۹

از انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران

مردادماه ۱۳۵۹

خواننده عزیز

اخیرا انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران قسمت‌هایی از آخرین دفاعیات سه تن از مجاهدین راباسامی مهندس ناصر صادق مهندس مسعود رجوی و مهندس محمد بازرگانی منتشر کرد .
از آنجا که در تکمیر مجدد این جزوه که در خارج از کشور صورت گرفته اولاً قسمت‌های آخرین دفاع ناصر صادق درج نگردیده ثانیاً در همان دو قسمت نشر شده پاره‌ای اشتباهات دیده میشود که برخی ناشی از خطاهای تایپ است و برخی دیگر معلول از قلم افتادن و یا افزایش عبارت یا عباراتی که در مجموع محتوی جمله را تغییر داده است بر آن شدیم که جزوه مذکور را که تحت عنوان "قسمت‌هایی از دفاعیات مجاهدین خلق ایران" در خردادماه ۱۳۵۱ از طرف سازمان مجاهدین خلق ایران انتشار یافته است برای اطلاع عموم برادران و خواهران خود عیناً تکثیر نمائیم .

عباراتی که زیر آن‌ها را خط کشیده ایم عباراتی هستند که در تکثیر قبلی خارج از کشور تغییر یافته اند و در این جا عین عبارات اصلی از نظر خواننده عزیز میگذرد .

امیدواریم جسارت انقلابی و روحیه قوی و آزادمنشی این برادران مجاهد آنچنانکه از متن آخرین دفاع آن‌ها پیداست محرک و مشوق همه کسانی باشد که بپا خواسته اند . والذین جاهدوا فینا لنهدينهم سبلنا - کسانی که در راه ما به پیکار برخاسته اند بر طریق خود هدایتشان می‌کنیم . - (قرآن)

آخرین دفاع ناصر صادق

بسم الله الرحمن الرحيم • ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفاً لانهم بنیان مرموص • (خداوند کسانی را که در صفوف متحد و فشرده در راهی بیدار میدانند دوست دارد) - سوره صف •

در اینجا ما به اتهام کوشش برای سرنگونی رژیم کنونی ایران محاکمه می‌شویم. ما با کمال افتخار چنین اتهامی را قبول می‌کنیم. ما بر دادگاهی محاکمه می‌شویم که نه خود آن و نه قوانینی که بر طبق آن ما را بمحاکمه کشیده و در مورد ما قضاوت می‌کند، قبول نداریم. دفاع ما بخاطر رفع این اتهام یا تخفیف محکومیت از بیدار تعیین شده ما نیست. چون محکومیت ما در چنین دادگاهی و با این اتهامات، باعث سرسرازی ما در پیشگاه ملت ایران و کلیه انقلابیون جهان و بالاخره سرنه ما بر دادگاه عدل الهی است. ما از روزی که آگاهانه قدم در این راه نهادیم نسر جان شسته و با زندگی مادی وداع کردیم. با این حال چرا دفاع می‌کنیم؟ دفاع می‌کنیم تا روشن شود مجرم واقعی کیست؟ دفاع می‌کنیم تا دوستداران ما و آنانکه صای ما بگوشان میرسد بدانند که ما چرا و برای چه مبارزه می‌کنیم و چرا و توسط چه کسانی محاکمه می‌شویم دفاع می‌کنیم تا از خلال دفاعیات ما و رزمندگان گروه‌های انقلاب، دیگر، مردم ما راه صحیح را یافته و در آن قدم گذارند و در پیش خود قضاوتی عادلانه نمایند گرچه در زیر فشار و خفقان حاکم نتوانند به پشتیبانی علنی ما برسند. ما با مردم قهرمان خود که سالهاست در زیر ستم و دیکتاتوری بسر می‌برند سخن می‌گوئیم. آنها هستند که باید در مورد ما قضاوت کنند. ما و صدها نفر دیگر از جوانان و روشنفکران انقلاب ایران بخاطر مبارزه و سرنگونی رژیم کنونی بزدان افتاده و مورد شدیدترین شکنجه‌ها قرار گرفتیم. این جوانان مبارز در طول زندگی خود نشان دادند که انسانهایی هستند پاک و باعاطفه، فداکار، رازدار و از خود گذشته که حاضرند بخاطر نامین منافع اکثریت مردم ستمدیده جامعه جان خود را فدا نمایند. اینها فهمیده‌ترین، روشن‌ترین جوانان کشور ما میباشند. نگاهی به سابقه زندگی و درجه تحصیلی اینها موبد این ادعاست. احقرانه خواهد بود اگر کسی ادعا کند که این افراد بخاطر منافع شخصی خود دست بمبارزه زده‌اند. چون هر کس در این راه قدم می‌گذارد ابتدا با زندگی و منافع شخصی و حیات خود وداع گفته و سپس قدم در راه مبارزه گذاشته

است. اگر اینها هدفنا زندگی کردن و لذت بردن بود طریقی غیر از این انتخاب میکردند. هر کدام از این افراد براحتی میتوانند زندگی کاملاً مرفهی برای خود و خانواده خود تهیه کنند و مقام دلخواه خود را بدست آورند. حتی تعدادی از این انقلابیون از خانواده‌های ثروتمند و مرفه میباشند. البته این نوع تفکر در منطق کسانی که بخاطر بدست آوردن پول و رسیدن به مقامی حاضرند به هرکاری تن دهند نمی‌گنجد. و بهمین دلیل در دوران باجویی‌ها پارها مورد این سوال قرار گرفته ایم که شما که همه چیز داشتید پس چرا نست‌باینکار زدید؟ البته ما در مقابل چنین افرادی با چنین طرز تفکری که خود و منافع خود را محور قضاوت قرار داده‌اند جوابی نداشتیم! اتهام اغفال شدن و یا آلت‌ست خارجی بودن نیز بما نمی‌چسبید چون اولاً می‌بینیم که تمامی این افراد حتی بعد از زندانی شدن و شکنجه‌های فراوان نیز بسر عقیده خود با برجا ماندند و بعمل خود افتخار میکنند و تانیا آلت‌ست شدن اصولاً برای منافع شخصی است که این مساله در مورد اینها هیچ مورد ندارد و قبلاً رد شده.

شما فیکه این افراد را بزنجیر کشیده‌اید و محاکمه میکنید، شما فیکه به آسانی آب خوردن حکم اعدام و یا زندانی شدن این جوانان را امضاء میکنید، آیا تا کنون لظه ای فکر کرده‌اید که چرا هر روز بی‌پایان و بی‌وقفی و بی‌توقفی و بی‌توقفی ما نست از جان‌شسته و در این راه قدم میگذارند؟ هیچ فکر کرده‌اید که چرا باید در عرض یکسال ملت‌شهرماً ایران شاهد تیرباران ۲۰ تن و شهادت ۴۰ تن و زندانی شدن صدها نفر از بهترین فرزندان خود باشد؟ [آهر شهدا تا حدی است که صادق مطلع شده بوده] مسلمانان ما میخواهیم علت این چنینی و مبارزه ملت‌شهرماً خود را بیان نمائیم تا دلائل کار ما روشن شود. باین خاطر و برای جلوگیری از اطاله کلام هر کدام ما که در اینجا محاکمه میکنیم قسمتی از این مساله را مورد بررسی قرار میدهیم. صحبت من مربوط است به بررسی سیر تاریخی مبارزه ملت ما علیه غاصبین حقوق خویش. خفقان سیاسی و اجتماعی از بین بردن آزادی‌های سیاسی ملت و اینکه چگونه مبارزه مسلحانه بعنوان تنها راه احقاق حق در برابر خلق ایران نمودار شده و گروه‌های مبارز انقلابی از جمله گروه ما یعنی سازمان مجاهدین خلق در این راه پرافتخار قدم گذاشتند.

۲۰ سال پیش ملت ما برای رهایی از قید حکومتی که او را به ورطه فقر اقتصادی و خفقان سیاسی انداخته و او را در بسته و اختیار کشورهای استعماری انگلیس و روسیه تزاری نهاده بود به قیامی خونین دست زد. نهال انقلاب مشروطیت ایران که از خون شهدای آزادی

آبپاری شده بود هنوز مهوده داده پایمال توسطه عناصر ارتجاع داخلی و استعمار
 خارجی گردیده. در واقع در همان موقع که به ستارخان و دیگر مجاهدان تکلیف شد که
 سلاح ها بیود را تسلیم کنند و تصمیم به خلع سلاح ارتش خلق گرفته شد انحراف آغاز
 گردیده. سلطنه ها، مملک ها، و دوله ها در راس کارها قرار گرفتند و اینبار در لباس
 مشروطیت منافع خود و اربابان خود را تامین نمودند. وقوع جنگ جهانی اول و پیروزی
 انقلاب روسیا لیستی و برافتادن تزارهای روس به اوج گیری روحیه ضد استعماری و ضد
 استثماری و تجلی آن بصورت افکار و جنبش های انقلابی، استعمار انگلیس را که در
 آن زمان بعزت بر افتادن رقیب شمالی (روسیه تزاری) حاکم بلامنازع صحنه سیاست
 ایران شده بود، بر آن داشت تا با ایجاد یک حکومت مرکزی قوی، هم منافع بیکران
 نفت را در اختیار خود گرفته و هم از موقعیت استراتژیک ایران در منطقه و بعضی
 برای درگیری حتمی الوقوع آینده با اولین کشور سوسیالیستی (شوروی) استفاده کند
 به این جهت قرارداد ننگین ۱۹۱۹ که به قرارداد فروزش ایران مشهور شده بود بست
 وثوق لدوله منعقد شد که خوشبختانه در اثر مخالفت های عناصر وطن دوست واقعی لغو
 گردیده. بعد از ناکامی در این جریان نقشه حیله گرانه ای برای تسلط بر ایران طرح
 کردند. باین ترتیب که در اواخر سال ۱۲۹۹ کودتایی بر رهبری سید ضیاء طباطبائی
 عامل شناخته شده انگلیس و رضاخان که سوابق « درخشان » در نیروهای قزاق داشت
 و در سرکوبی قیام تبریز و نهضت انقلابی جنگل (تحت رهبری میرزا کوچک خان) خدمت
 شایانی کرده بود، ترتیب دادند و سپس با یک مانور ماهرانه در مورد شیخ خزعل
 و فریب دادن حکومت سوسیالیستی شوروی کودتاچیان را ضد انگلیس و مترقی قلمداد
 کردند. با اینحال چون کودتاچیان از هر گونه پشتیبانی مردم بی بهره ماندند ناچار
 حکومت خفقان و ترور و وحشت براه می افتد و ابرهای سیاه دیکتاتورهای رضاخانی ۲۰
 سال فضای اجتماعی ایران را تیره و تار میکند. هرگونه جنبش و حرکت در نطفه خفه
 میشود. نهضت انقلابی جنگل و قیام خراسان به رهبری کلنل محمدتقی خان بسیار سرکوب
 میشود. ترورهای موموز و شکنجه های دژخیمان پلیس ارتجاع و استعمار و آمبول های
 سم و هوای پزشکی احمدی آوازه اش همه جا میپیچد. مدرسه ها، ارانی ها معشقی ها
 بطور مرموزی بست عناصر رژیم ارتجاعی کشته میشوند. لب های فرخی یزدی شاعر
 آزاده ای را که به حکومت مزدوران استعمارناخته بود با سوزن میدوزند. نوا میس
 آرنسبو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
 مردم مورد تجاوز قرار میدهند. اموال و زمین های مردم بستم اعمال حکومتی و در راس

آن دوبار بهلوی بنا حق ضبط میشود. خاطره فجایمی که در سال ۱۳۱۴ در زیر عنوان کف حجاب انجام میشود هنوز دلها را می آزارد. در همین دوران است که قوانین ضد مردمی که هرگونه جنبش و حرکت را از مردم سلب میکرد از تصویب مجلسین فرمایشی گشت و هنوز به برکت همین قوانین است که آزادیخواهان ایران را محاکمه میکنند و به زندان و زنجیر میکشند و به جوخه آتش می سپارند.

خیمه شب بازی القاء امتیاز نفت داری به راه می افتد، اما هنوز خیلی به صبح نرسیده بود که قرارداد دیگری بسته میشود البته با بوق و کرنای اینکه امتیاز بیشتری گرفتیم و حق مالکیت خود را اعمال کردیم و از این قبیل تبلیغات و در دست دو زمانی که مدت قرارداد رو به پایان بود برای ۶۰ ساله دیگر تجدید میشود. بعدها تقی زاده وزیر دارائی وقت و امضاء کننده این قرارداد اظهار داشت که «من آلت دست بی اراده‌ای بودم» میدانیم که تقریباً تمامی درآمد نفت در آن زمان در راه ایجاد ارتشی نوین صرف شد. ارتشی که پشتوانه رژیم خفقان و ترور بود. ارتشی که صرفاً بمنظور سرکوبی قیام ملت جهت احقاق حق خویش و استفاده در جنگ احتمالی بر علیه شوروی ایجاد شده بود. نه بخاطر حفظ کشور. چون نقش آنرا در شهریور ۲۰ دیدیم که چگونه از مقابل بیگانگان زگرخت! کشیدن راه آهن سراسری به خرج کارگر و دهقان ایرانی و از مالیات قند و شکر، نیز یک نقشه استعماری بود و دیدیم که چگونه پس از پیروزی متفقین نام گرفت و در واقع این ملت ایران بود که کمربند را خم کرده و از آن پل پیروزی ساخته شد.

بعد از شهریور ۲۰ بعزت شکستن سلطه دیکتاتوری و پلیسی و درگیریهای داخلی امپریالیسم، نیروهای ملی دوباره فرصت یافتند و بحرکت درآمدند اما در ایران متأسفانه بعزت نبودن یک رهبری پیشرو و تشکیلات منظم که بتواند خلق را در مبارزه ضد امپریالیستی و آزادی خواهانه‌ها بسیج کند ملت ما نتوانست همچون ملت‌های چین و ویتنام و چندی بعد الجزایر از این فرصت تاریخی استفاده کند. فقط عده ای از عناصر ملی برهبری دکتر مصدق پیشوای ملت که با پشتیبانی و فشار مردم و بویژه توده‌های شهری و قشر متوسط به مجلس شانزدهم راه یافتند علم مخالفت با منافع استعماری را بر افراشتند و علیرغم اخلال و کارشکنی‌های عمال استعمار توانستند طرح ملی کردن نفت را از مجلس بگذرانند. ۲۹ اسفند ۱۳۲۹. برای اجرای این قانون بود که مردم محکوم متراً به صدق سپردند و این تنها حکومتی بود که مردم با آن نام حکومت ملی و قانونی

دادند زمان و پیرو مردان با صرف پس اندازها - و زینت آلات اندک خود اوراق قرضه
میفریبت تا صدق را در شکستن محاصره اقتصادی باری کنند. سیاست صدق برای رها

از **سلطه** ما از قید استثمار بر دو پایه استوار بود. ۱- سیاست موازنه
منفی **استقلال** ایران از قید هرگونه سلطه خارجی ۲- اقتصاد بدون نفت. اصل

اصل **استقرار** از هرگونه قید سلطه خارجی و اصل دوم جهت پایان دادن به عوارض

در **کمیته** اقتصاد یک پایه متکی به نفت بود. با زهم مردم مشاهده کردند
 که **سیاست** از طرف نیروها و خارجی و عوامل داخلی آنها مرتباً تهدید میشد. ملت

ما با **سیاست** در روز ۲۰ تیر از **مصدق** دفاع کرد. توطئه ۹ اسفند نیز موقوف نشد.

کودتای ۲۸ مرداد هم از سرگشت ولی بالآخره آنچه نباید بشود شد. مدارک انکارنا

پذیری که از توطئه کودتای ننگین ۲۸ مرداد در دست است شرکت فعالانه عوامل بیگانه
 را در **تدارک** توطئه کودتای ضد مردمی ۲۸ مرداد ثابت میکند.

در تحلیل نهائی اشتباه **مصدق** این بود که میخواست با منطق و حرف به جنک زور

و قلدری برود. بنا بر این، ما این درس را بخوبی آموخته ایم و جایی برای گفتگو از

سر منطق و حرف نمی بینیم. بعد از کودتا تصفیه حساب با مخالفین شروع شد. قهرما -

نانی چون دکتر فاطمی ها، خسرو روزبه ها، مشبتری و سیامک ها، کریمپورها، مخلس

طهماسبی ها با در زیر شکنجه فرماندار نظامی کشته میشوند و یا زنده زنده در آتش

میسوزند و یا برگیار مسلسل سپرده میشوند. هر کس که مورد کوچکترین سوء ظنی واقع

میشود تحت عنوان توده ای، کمونیست، مخربکار، دشمن مردم، دشمن اسلام، اها انت بمقا

شامخ سلطنت، به محاکمه و زندان و شکنجه کشیده میشود و نست خارجیان در چهاروا

ملت باز میشود. منابع نفت که ملت ما برای ملی کردن آن چه مشقاتی را که تحمل

نکرده بود دوباره تحت اختیار امپریالیستها قرار میگردد. عواید آنها همچون گذشته

تا آخرین دلار یا صرف تهیه اسلحه و مهمات و اماننده و فرسوده ارتش آمریکا و انگلیس

برای حفظ رژیم سلطنت و یا صرف پرداخت به نستیاران امریکائی و اروپائی میشود و

یا تحت عنوان برنامه های عمرانی صدها میلیون دلار به جیب شرکتهای خارجی و نستیاران

داخلی آنها سرازیر میگردد بطوریکه چند سال بعد اعلام میشود که در این چند سال

صدها میلیون دلار بعنوان مختلف حیف و میل شده است. کتاب جنبش ملی نوشته جهانگیر

عظیمی آمار دقیق و جالبی در این زمینه دارد. اما طی همین سالها که وعده داده شده

بود ایران با پول نفت بهشت روی زمین خواهد شد ملت ایران روز بروز فقیر تر و گرسنه

تر میگشت . جواب کارگرهای گوره‌پزخانه که طلب‌نان میگردند با رگبارهای مسلسل داده میشود و ۲۰۰ نفر در این ماجرا کشته میشوند . اعتصاب معلمین و فرهنگی با کشته شدن دکتر خانعلی و مجروح شدن عدّه‌ای از فرهنگیان بی‌پایان میرسد . جالب اینکه در تمام این موارد قاتلین مردم بعلت اجرای اوامر ارتقاء مقام مییافتند سرگرد شهرستانی قاتل دکتر خانعلی سرهنگ شهرستانی میشود .

آیا باز هم انتظار دارید ملت که جواب خواسته‌های قانونی و طبیعی و عادلانه اش با رگبار گلوله و سرنیزه داده میشود ساکت بنشینند و دست به اسلحه نبرد ؟ مسلماً راه مسلحانه را دشمن به ملت آموخت . ملت به ناچار دست به تفنگ میبرد . بعنوان تنه‌راه نجات . در سال ۳۶ قانون تاسیس سازمان امنیت (ساواک) در مجلس فرمایشی وقت بتصویب میرسد و باین ترتیب خفقان سیاسی موجود راجب قانونی می‌بخشد . از این پس ساواک است که ما مورحفظ امنیت طبقه حاکمه و مبارزه با مخالفین میگردد بهمین دلیل با توجه به جو انقلابی دنیا و بالارفتن واوج گیری مبارزات ضد استعماری و میهن پرستانه در بعضی از کشورهای عرب و تاثیر آن در ایران لازم است که برنامه جدیدی اجرا شود . به توصیه صحنه‌گردانان گفتگو رگرفت . و باین نتیجه رسیدند که این تغییرات لازم است که با بعضی آزاد بیهای سیاسی همراه باشد تا هم نیروهای مخالف علنی و شناخته شوند و هم شیوه‌های اصلاح طلبی و سازشکاری که در رهبران سیاسی آن زمان وجود داشت باب شود . اما این آزادی مصلحتی همدیری نیاید . به گلوله بستن تظاهرات دانش آموزان تهران و کشته شدن یک دانش آموز بنام کله‌سر حمله‌کماند و های پلیس به دانشگاه در بهمن ۳۴ و موضوع و مجروح کردن دانشجویان و استادان بعلت مخالفت بانیرنگ اصلاحات ارضی و آزادی دهقانان ، سرکوبی جبیه ملی و نهضت آزادی و سایر احزاب و دستجات دستگیری‌های وسیع دانشجویان مبارز چهره واقعی و هدف اصلی این آزادی مصلحتی را نمایان میکند . پس از ناکامی این نقشه امپریالیسم آمریکا تصمیم میگیرد با پیاده کردن بعضی تجارب ضد انقلابی که در آمریکا لاتین بدست آمده بود و مهمترین آن همین نیرنگ تقسیم زمین و فروش املاک بین زارعین است وضع بحرانی ایران را کمی تخفیف بخشد . لذ ابرنامه انقلاب سفید مطرح میشود و بلندگوهای رژیم خود ستیاریانش در ایران و سراسر دنیا به صدای نظیریودن چنین برنامه‌هایی را در تمام طول تاریخ جهان و بشرتبلیغ میکند . اما روشنفکران ایران که در پس این ظاهر فریبنده و نو همان چهره استعمارگر سابق را دیده و هدف

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

چنین برنامه‌هایی را از قبل میدانستند به افشای برنامه‌های ساختگی و مردم فریب آن برداشته و آنرا رسوا کردند. روحانیت نیز پس از سالها دوری از صحنه سیاست بعثت فعالیت بعضی از جناح‌های سیاسی مذهبی نظیر نهضت آزادی ایران و نیز روشن بیانی معدودی از روحانیون مترقی نظیر آیت‌الله خمینی برای مبارزه با فساد و نشت نشانده‌ی آشکار رژیم موجود قدم به عرصه مبارزه گذاشتند و با روشن کردن قشرهای مذهبی دامنه مبارزه را وسیعتر نمودند. رژیم ارتجاعی که میدید در چنین جو سیاسی متحرک و با موج عظیم مخالفان نمیتواند برنامه‌های خود را اجرا نماید لذا همزمان با عنوان نمودن انقلاب سفید در تهران رهبران نهضت آزادی و جبهه ملی و عده زیادی از دانشجویان مبارز را دستگیر و زندانی نموده و در قم با حمله وحشیانه به مدرسه فیضیه عده‌ای از روحانیون جوان و مترقی را مضروب و مجروح نموده عده بیشماری را دستگیر و زندانی ساخت و چون با همه این فجایع نظر خود را تأمین‌ندید در ۱۵ خرداد ۴۲ و در هنگامی که احساسات مذهبی و ضد رژیم توده‌های مذهبی به اوج خود رسیده بود دست به کشتار وحشیانه و ناجوانمردانه مردم بیدفاع در تهران و چند شهر بزرگ ایران زد و بدنبا ل آن دستگیریهایی وسیعی را شروع کرد. این وقایع آخرین تردید مبارزین ایران را در دست بردن به اسلحه و قهر مسلحانه از میان برد. مسأله‌ای که از این پس مطرح بود چگونگی انجام این هدف بود. از این پس جامعه ایران شاهد رویی مداوم گروه‌های مسلح مبارزی بود که قصد داشتند از طریق انقلاب مسلحانه رژیم حاکم را که مانع پیشرفت و تکامل خلق ایران است واژگون کنند. ترور حسنعلی منصور عامل تصویب مجدد قرارداد ننگین کاپیتولسیون یا مصونیت قضائی مستشاران امریکائی و بدنبا ل آن شهادت چهار نفر بخاطر این مسأله، کشف حزب اتحاد ملل اسلامی و گروه بیژن جزینی، گروه فلسطین، گروه نجف‌زاده، گروه طوفان، گروه آرمان خلق سازمان چریکهای فدائی خلق (که به گروه سیاه‌کل معروف شده‌اند) مجبیه آزادیبخش خلق سازمان رها نیبخش خلق (سرخ) سازمان مجاهدین خلق و دهها گروه دیگری که در یکسال اخیر کشف شده و تعدادی از افراد آنها دستگیر شده‌اند و گروه‌های زیادی که هنوز کشف نشده‌اند و مشغول فعالیتند همه و همه نشانه اوج گیری انقلاب مسلحانه در کشور ماست. اگر سطح مبارزه در سال ۴۰ را با سال ۵۰ مقایسه کنیم به عظمت راهی که مبارزه خلق ما در این ده سال پیوده پی میبریم. ده سال پیش حد اکثر فعالیت رهبران سیاسی آنزمان صوری اعلامیه و تقاضای اعاده حقوق ملت از طبقه حاکمه بود که با تودهنی و زندان و

زود و سرنیزه جواب داده میخند. ولی امروز ملت قهرمان ما حق خود را با مبارزه مسلحانه با تفنگ، از کام غاصبین حقوق خود بیرون میکند و این راهی است که ملت ما پس از ۷۰ سال مبارزه و دادن دهها هزار قربانی شناخته است. طبیعی است چون ملت بیخود قدم در مرحله مبارزه مسلحانه بگذارد باید متحمل قربانی های فراوان شود. نگاهی به تاریخ مبارزات ملل دیگر این ساله را روشن میسازد. بهر تقدیر سال ۱۳۵۰ سر آغاز یک تغییر کیفی در تاریخ مبارزات ملت ماست. سالی که مبارزین خلق تنها راه آزاد کردن ملت ما را از زیر ستم و استثمار داخلی و خارجی یافته اند: نبرد چریکی مسلحانه در شهر و روستا.

سازمان چریکهای فدائی خلق با تقدیم ده ها شهید، پیشاهنگ این راه مشترک بوده است و تجارب دیقیمتی را برای مبارزه مسلحانه در ایران به ارمغان آورده است. به موازات اوج گیری مبارزات و پیدایی گروه های مبارز مرزیم نیز خدیدا در تقویت و پویایی کوشیده است. این امر ایجاب میکند که:

۱ - پیش از پیش دست سرمایه داران امپریالیست غربی را به ایران باز کرده و بسا تضمین و تشویق سرمایه گذارها در زمینه های مختلف صنعتی - معنی - کشاورزی آنان را در نگاهداری رژیم کنونی شریک گردانند. خواهیم دید که باین کار هیچ نامی جز حراج ثروتهای ملی کشور نمیتوان گذاشت.

۲ - چون پیوندی ارگانیک و ناگستنی بین مبارزات ضد امپریالیستی در گوشه و کنار جهان خصوصا در منطقه وجود دارد و رشد هر کدام از این جنبش ها تاثیر متقابل در پیشرفت دیگری میگذارد. لذا رژیم ایران میکوشد که پایگاهی مطمئن بر ضد این جنبش ها باعدو نفس زاندرم منطقه را بخرج ملت فقیر ایران ایفا کند. و بهمین دلیل است که میببینیم بودجه دفاعی کشور ما ۴۳٪ از بودجه کل را تشکیل میدهد و اینجاست که از دلایل فقر و گرسنگی ملت خود را درمی یابیم.

۳ - با ترویج فرهنگ فساد عرب و اشاعه فساد و هرزگی از طریق انتشار مطبوعات کثیف و ایجاد کاخ جوانان و سایر امکانات تفریحی جوانان ما را از شناخت مسائل اصلی و در نتیجه از مبارزه دور نگاه میدارد.

۴ - اعمال خفیان شدید و هتد عمل جهت ایجاد روحیه باس و خودباختگی در ملت و در مبارزین. لذا میبینیم که سازمان امنیت بر تمام شئون این مملکت تسلط پیدا کرده است. در هر اداره و هر کارخانه قسمتی بنام اداره حفاظت ایجاد کرده و با آوردن

افسران و درجه داران بیازینستسته در راس این قسمت‌ها در صد جلوگیری از اعتراضات و مخالفت‌های اغراضی بیرون آمده با شناسایی افراد فعال و مبارز و اخراج و دستگیری آنها هر گونه مخالفتی را در نطفه خفه مینمایند.

۵ - تقویت تعدید بیلیس و سایر واحدهای جهت کشف و سرکوبی گروه‌های مبارز و در صورت مقاومت کشتار و بیرحمانه آنان و بالاخره سرکوبی کسانی که با وضع کنونی سر به اعتراض برداشته اند. کشتار ناجوانمردانه و بیرحمانه جلادان ساواک در یک سال اخیر، کشتار نارگران چیت‌چیان که بحاضر اضافه مستمرد اعتماد نموده بودند، حمله به دانشگاه و مضر و مجروح نمودن دانشجویان و حتی استادان جوان دستگیری‌های وسیع مخالفین اعم از اساتذ دانشگاه، عرب‌حانیون، دانشجویان، کارگران، دهقانان و کارمندان و غیره. محکومیت‌های طولانی مدت و متعاقب آن شکنجه‌ها و اعدام‌ها و ۳۰۰۰ همه اینها حاشی از این است که تضاد منافع بین رژیم حاکم و ملت ایران چنان عمیق است که برای نجات و حفظ خود چاره‌ای جز سرکوب و شست‌و‌شوی برای ایرانی‌هاقی نمانده است. آخرین مسائلی که به آن اشاره میکنیم مسأله شکنجه است. شکنجه شدید منتهین سیاسی است. ما در آن امنیت اعم از بیلیس و ساواک، مبارزین پس از دستگیری با وحدت‌نامه تریبون، خاکی و غیره هستند. سوزاندن ساواک‌های برقی، تیرک‌های برقی، شکنجه با اسلحه و غیره، تیرباران بی‌قصد و بی‌هدف، شکنجه‌های دیگر که از گفتن بعضی از آنها شرم داریم. آقایان، ما در ایران و آقایان، دانستان، اگر اداره دادرسی ارتش در خدمت منافع طبقه حاکمه نیست چرا فقط انقلابیون بسا که کشته میشوند و تیرباران می‌گردند؟ چرا ماده ۱۴۱ که طوق آزادی شکنجه جهت گرفتن اعتراض‌چوم است و اگر منجم در ریز شکنجه می‌برد شکنجه تیر قاتل محسوب میشود بمورد اجرا گذاشته نمیشود. آیا شما از شکنجه‌های ما خبر دارید؟ آیا نمیدانید که عباسی مفتاحی را ۱۵ روز متوالی تحت شکنجه فرار دادند؟ آیا نمیدانید که مصدود احمدزاده، اسفیر بدیع زانگان، همایون کنیرائی و چند نفر دیگر و اعدای سوزاندند؟ آیا نمیدانید که بسیاری از منجمین در اثر عدت‌صربت وارده شنوائی خود را از دست دادند، و بی‌آنکه شکنجه در مورد عده‌ای منجر به شکنج استخوان‌های است و با و صورت آنها غده است؟ هنوز آثار شکنجه در بدن‌ها از بین نرفته است. بالاخره آیا نمیدانید که بهروز دهقانی در ریز شکنجه دژخیمان ناجوانمرد و قاتل رژیم بسه شهادت رسید؟ آیا از علت شهادت آیت‌الله سعیدی که در اثر شکنجه شهید عد خیر نداشت ما از رژیم ضد خلقی و ست‌نفاذنده ایران انتظاری جز این نداریم. این را گفتیم که

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

هما بدانید برای چه کسانی خدمت میکنید. البته خلق ایران خائنین را مهتاسند و سزای این جنایات را داده و میدهند « و سيملم الذين ظلموا ای منقلب ینقلبون » (ستمگران بزودی خواهند دانست که چگونه آنها را زیر و زیر میکنیم) قرآن .

از آنچه در دادگاه گذشت:

مبارزین سازمان مجاهدین خلق ایران در دادگاه خود را تبعه خلق ایران معرفی کردند. وقتی شغل آنها پرسیده شد جواب دادند « مجاهد » .

★ ★ ★

در دادگاه گروه اول از سازمان مجاهدین خلق ایران، پس از اتمام اعلام رای در همانجا کتک مفصلی به مبارزین زدند که چرا اینچنین از خود دفاع کرده اند. چون ایشان از دادن تقاضای تجدید نظر خودداری کرده بودند ۴ روز مداوم تحت شکنجه قرار گرفتند تا اینکه اولاً تقاضای تجدید نظر کنند و ثانیاً آنچه را که ساواک بآنها دیکته کرده بازگو کنند. این مجاهدین جان بر کف سخت مقاومت کردند و بالاخره ساواک از جانب خودش، یعنی داستانی ارتعش برای ایشان تقاضای تجدید نظر کرده است .

★ ★ ★

ناصر صادی در پایان دادگاه خطاب به رئیس گفت اگر دادگاه علنی است مدافعات ما را بدهید مطبوعات چاپ کنند، رئیس دادگاه میگوید ارباب چراید اینجا حضور دارند و اگر بخواهند چاپ میکنند خبرنگاران گفته بودند چون در مدافعات بمقام سلطنت اهانت آور'چاپ نمیکنیم . ناصر صادی دفاعیات خود را به وکیل سوئسی داده بود که بعد از پایان دادگاه ما مورین ساواک او را بازوسی کرده دفاعیات را از او گرفتند .

★ ★ ★

چهارمباروز محکوم به اعدام از سازمان مجاهدین خلق در دادگاه اعلام همبستگی با سایر گروه‌ها را نمودند و سفارش کردند که این اولین قدم برای تشکیل جبهه متحد میباشد. درود به فرزندان خلق که تا دم مرگ لحظه‌ای از پیشبرد انقلاب غافل نیستند .

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

قبل از وارد شدن به حرفهای اصلی چند نکته هست که باید تذکر دهم. اولاً مهندس لطفی بهیچو استادیار دانشگاه پهلوی بر خلاف آنچه در کیفرخواست آمده در فلسطین دوره ندیده است. ایشان با پاسپورت معمولی چهار الی پنج روز برای ترجمه مذاکرات ما به بیروت آمدند. در بعضی از مذاکرات که سری بود من خودم ترجمه میکردم و ایشان حاضر نداشتند. مساله راجع به اسلحه و انبار مهمات که در اجاره رسمی مهندس فیروزیان بود در حقیقت ارتباطی با او نداشت و متعلق به من بود. من در اینبار تقاضا کردم که ناصر صادق و محمد حنیف نژاد برای شهادت به دادگاه آورده شوند که راکد مانده. در مورد ربودن هواپیما و مجازات درخواستی هیچ قانونی نیست چون من بعنوان يك دانشجوی حقوق میدانم که ماده عطف بمسابق نمیشود. در مورد مهندسی غرضی باید بگویم که اولین بار است که ایشان را میبینم و نمیدانم ایشان چطور به کیفرخواست مربوط داده شده است. در مورد اسلحه و مسلسل، قسمتی از گفته های مقام امنیتی که بیشتر مرا عصبانی کرد راجع به ژست تبلیغاتی و بیرون رفتن اوز برای خرید اسلحه است. من ارز خارج کردم و مملکت را فروختم یا شما؟ این هتلهای کاباره ها و کازینوها مال کومت؟ اگر خودش ندزدیده پس پدرش دزدیده. باری شما بهتر میدانید. ناصر صادق سوار موتور بود و من دوچرخه داشتم. این رولز رویرها را چه کسی سوار میشود؟ چه کسانی در بانکهای سویس پول رویم انباشته میکنند؟ بعضی از مطبوعات حقایق را چاپ میکنند. در مجله امریکائی NATION فتوکوبی چکها چاپ شده است. آقای رئیس! کریستین دیور در پاریس لباسهای چه کسی را می دوزد؟ برای ضیافت های شب از لاهه گل سفارش میدهند. مصرف کنیاک و شامپانی که از خارج برای وزارت خارجه سفارش داده میشود سر بفلک میزند. آقای دانستان میگوید دادگاه علنی است. علنی یعنی اینکه وقتی در روزنامه ای گفته های آقای دانستان را چاپ میکنند جوابهای مسعود رجوی را هم کنار آن چاپ کنند. فقط کسانی حقوقود باین دادگاه را دارند که اجازه مخصوص از سازمان امنیت داشته باشند. در روزنامه

چرا نوشتند که ما رویه اشتراکی داریم و وقتی که توضیح میدهیم میگویند اشتباه لفظی بود. تازه همین دادگاه را هم بخاطر چشم و ابروی ما تشکیل ندادند. اوج گرفتن جنبش خلق مجبورشان کرد. رادیو عراق اسامی ما را گفت و فیلسوف فرانسوی ژان پل سارتر تقاضای شرکت در دادگاه ما را کرد. الفتح اعلامیه مخصوص انتشار داد و اعتراض

های گوناگون دیگری شد. پس منافعتان ایجاب می‌کند است که همین دادگاه را هم برای ما بگذارند... ما با کلوله معامله می‌کنیم همانطور که با فرسیو کردیم... من هفده سال درس خوانده‌ام و با نیاز خودم معامله کرده‌ام و میدانم که تقاضای ما قانونی است در کیفرخواست آمده است که ما عین پائی که آنجا بوده مرده است کو اسمی؟ کو مدعی خصوصی؟ کو محل اقامت او؟ می‌گویند ۵ ملیون تومان از بانک پول گرفته شده است. اگر دادگاه علنی می‌بود می‌بایست محمد حنیف نژاد و اصرر بدیع زادگان صحبت می‌کردند. چرا حنیف نژاد بنیادگذار گروه در اینجا نیست... منکه حرف می‌زنم می‌خواهم حرفم شنونده داشته باشد. مکرر صحبت برادران ما را قطع می‌کنند. ما از رژیم بهی از اینها انتظار نداریم. حالا وارد اصل مطلب می‌شویم: یکی از آثار مهم دوره رضا شاه، یعنی شروع دوره دیکتاتوری محسوس شدن ریشه رجال واقعی و مومن و مهمن پرست است. در جنگ داشتن سلاح مهم است ولی انسان مهم تر است. رژیم رجال کفو را با جذب کرد یا عوض نمود با آنها را خرید و با از کار برکنارشان کرد، و با کت من و دوستانم از فرزندان دکتر مدق هستیم که به پول و مقام پشت پا زده ایم ولی مستوفی الممالک‌هایی هم بودند که مثل فکخواه خریدار شدند. اینها بعنوان نصیحت‌بما گفتند که «ما تا چانه در گل هستیم مواظب باشید تا فرق سرتان در گل نرود» آنها می‌گفتند که تا فرق سر و چانه در گل رفتند بعدا خیلی تاسف خوردند که از طرف مردم نسرورد به سینه‌هاشان خورد. آقای داستان اگر دلجان می‌خواهد می‌توانند گوی نکنند ولی بدانند که ایشان ما مورد هستند ولی معدود نیستند. مواظب باشید فردا وضعتان از اینهم بدتر نشود. هیچکس پشت سر سهیبند آرموده صلوات نفرستاد.

داستان اعتراض کرد و گفت از باطن و ظاهر من حرفی نزنید.
 ... رژیم اجبارا و برای ادامه حیات لباس عوض کرده است اصلاحات ارضی و دادن سهام کارخانجات بعنوان پشتوانه به فقودالها ایشان را بهی از بهی منتعم کسب کرده است. در واقع با این کار می‌خواستند جوژوا بازی در آورند. بعد از کودتای ۲۸ مرداد جوژوا بازی مد روز بود... بسیاری از کارخانه‌ها ورشکست و کارگران اخراج شدند... جهان سوم میدان تاخت و تاز سرمایه داری کشورهای بزرگ شد.
 گتوی فساد اداری، رشوه خواری و بدبختی مردم از طرف هیات حاکمه اعمال می‌شود... احتیاج به توضیح ندارد. زاغه‌ها و حیر آباد تهران را ببینید. جواد...

نازی آباد را ببینید. مردم فقیر اگر بیمار شوند مجبورند و محکومند پشت در بیمارستان جان بپهارند.

طبق گزارش روزنامه اطلاعات که ارگان بازگو کننده خدمات مسعودیهاست هشت سالن انتظار به بیماری برخواستند که ۵ روز با انتظار پزشکی مانده بود. بیمارها بدبختی را دیدند که مقابل بیمارستانهای سینا و امیر اعلم بدر پیاده روی پله ها و کنار دیوارها با انتظار نشسته بودند و در مواجهه شان شتابی چشم نمیکورد. مرد سرطانی روزها در انتظار اشعه ایکس پشت در میماند. این گفته روزنامه ایست که سر سردگانی از فرمانبرداران نوکر صفت رژیم هستند. در روستاها استعمار دولتی جایگزین استعمار مالک عده است. انبوه خوبی نشین ها چیزی بجز قرضایشان را ندانند که از دست بدهند. همین هاست که آمادگی انقلابی بوجود می آورند. روستاییان وضعاً بدتر و بدتر میشود. تنها راه مبارزه راه انقلاب مسلحانه توده های باقی میماند. - داستان صحبت را قطع میکند: چون دادگاه علنی است از اختیارات قانونی خود سوء استفاده میکنند و مطالب را تحریف و بمقدسات اهانته میکنند.

- رجوی: آقا دادگاه رئیس دارد. مگر نوبت شماست که حرف میزنید؟ دفاعیات ما همه در رفع اتهامات مذکوره است. بقول خودتان جلسه علنی است. مگر ما حرف منافی اخلاق زده ایم؟

- داستان: اگر ادامه دهید تقاضای سری بودن دادگاه را خواهم کرد.

.....

این دادگاه امشب با فردا شب تمام میشود. امشب با فردا شب آخرین شب ماست اگر اعدام نفوس لاقابل به حبس ابد محکوم خواهیم شد. رفقای من بعزت قلت وقت دفاعی ما که فقط نهم ساعت است بعد از من دنباله متن دفاعیه را در موارد سیاسی، اقتصادی، کشاورزی و تاریخچه سازمان و توضیحات راجع انقلابیون ادامه خواهند داد. مسلماً این اطلاعات کافی نخواهد بود. چون وقت ما اجازه بیشتر از این را نمیدهد. در این دفاعیه به علت منظورات زمانی و مکانی (تا آنجا که عرفانمان اجازه میدهد) حتی المقدور از بردن اسامی و ذکر تواریخ خود داری خواهیم کرد. محمود عسکریزاده، مهندس بهمن بازگانی، و مهندس علی باکری بعد از من همه چیزها را میگویند. ساله اساسی سیاست خارجی ماست. به عامل بدبختی اشاره شده. عامل بدبختی من و شما بدبختی همه خلق ما مهربانیم بهمن المللی است. عروسلهائی در اینور و

آنور دنیا سرکارند که اگر به خوششان بودند يك لحظه روی پایشان بند نبودند. کافر کی، ملک حسین، ملک فیصل، بنده يك لحظه هم اسم رژیم را نمی آوردیم. این روزها يك فریب بزرگ، بخاطر حفظ تجاوز عمومی علیه ناموس کلمات وجود دارد. کلماتی از قبیل تساوی صلح و سازش، کمک کشورهای بزرگ به کشورهای کوچک و کلماتی از قبیل صلح بین المللی، تفاهم و سازش متقابل کشورها و کمک کشورهای قدرتمند به ضعیف که در نوشته‌های رسمی سازمان ملل آمده است وسیله‌ای برای حفظ نظم موجوده که در واقع چیزی جز تجاوز عمومی نیست شده است. اینها همه دروغ است. نه صلح، نه سازش، و نه تفاهم هیچکدام مطرح نیست بیا، نه خود را بفریبیم نه دیگران را. امروز در دنیا دو جناح وجود دارد. دريك طرف محرومین، گرسنگان، آوارگان فلسطینی و مبارزان وجود دارند و در طرف دیگر اغنیاء، صاحبان ناباک فانتوم و جاه نقت ماشینها جنگی و کارخانجات عظیم. بین اینها هیچ رابطه، هیچ تفاهم مطرح نیست.

ما باینکه در طرف اول قرار داریم افتخار میکنیم. ما بجرم خود افتخار میکنیم. ما به اینکه دست در دست چریکها برای نابود کردن امپریالیسم و صهیونیسم مبارزه میکنیم افتخار میکنیم. به غیر از سبورد یا تسلیم راه دیگری وجود ندارد یا نبرد است مثل فلسطین مجین و بیتنام و یا اسارت مثل خودمان. باید تدرک بدهم که این تناقض ما بوس کننده نیست. انسان بدون گرفتاری تصفیه نمیشود. روی سختم به پدر و مادرهایی است که فرزندان اسیرند. این فلسفه هستیست. وجود آنها از بین خواهد رفت ولی صبح نزدیک است باید تحمل کرد.

از آغاز سده جدید ۸۰۰ میلیون در چین و ۳۰۰ میلیون در شوروی آزاد شدند. در خاور میانه و امریکا لاتین غوغاست. امروز در تهران بانك میزنند سفیر ایالات متحده در امریکا لاتین اعدام میشود، اعتصابات کارگری اسپانیا را فلج کرده است. نهایت این درگیریها ایجاد جامعه جدید است. سلطه امپریالیسم اشکال گوناگون دارد. یکی از آنها سلطه سیاسی است. یعنی پرچم زدن و مستمره کردن. طریق دیگر سلطه اقتصادی است. در این سیستم مسر رشته امور اقتصادی در اختیار اجنبی قرار میگردد.

زیر بنا در رو بنا موثر است. این رو بنای سیاسی تحت تاثیر زیر بنای اقتصادی است. نمیشود منافع نفت، يك کشور را تاراج کنند ولی انسان، عرف نزنند. انسان وقتی چیزی نداشته باشد با چنگ و ناخن و دندان حساب طرف را میبرد. پس باید مردم را قرض داد. باید مردم را به انواع مختلف ساکت کرد. دزدی بازی، کلاه بازی، کلاه بازی

و اگر نقد با ساواک و تبره‌اران و از این قبیل امروز داستان و ما هر دو به «حق» استناد می‌کنیم. آقای داستان می‌گویند صادره بانک و سرتت بر خلاف قرآن است. می‌پرسم کدام قرآن؟ قرآن را عوضی نشان داده‌اند. چون منافی منافعتان بود و نمودن استند آنرا از بین ببرند عوض کردند. در قرآن آمده که هر کسی تا آنجا مالک شیعی است که خود برای آن زحمت کشیده باشد. این چیزی است که مارکیسم و سوسیالیسم انقلابی هم می‌گوید و ما تا آنجا مخالفتی نداریم. حال بعقب برگردیم و عملکرد کارمان را ببینیم. ببینیم تاریخ چه می‌گوید. تاریخ استقرار سلطه خارجی در ایران از بی کفایتی اولیای امور شروع شده است. در قرن گذشته روس و انگلیس آمدند و ایران را تقسیم کردند. عده‌ای از رجال طرفدار روس بودند و عده‌ای طرفدار انگلیس؛ یک قرضه بانک روس منتشر می‌کرد، یک قرضه بانک انگلیس. در ۱۹۰۷ که این قرارداد ننگین بسته شد ایران به دو قسمت تقسیم شد. بعد از انقلاب اکتبر تمام امتیازات استعماری نزارها از بین رفت. دولت شوروی بانک و پولها را تعویض کرد و رفت. تنها انگلیسها ماندند. با انقلاب سوسیالیستی خطر بر داشتن اختلافات با آنها حساسند و انگلیس ایران را پایگاهی علیه اولین دولت شوروا قرار داد و آنرا از لحاظ استراتژیکی مقدم بر هند شمرد. همزمان با اولین استخراجات نفت ایران، کودتا سوم اسفند را ترتیب دادند. نفت ایران بقدری برای انگلیس حیاتی بود که دیدیم با بسته شدن کانال سوئز لیره انگلیس سقوط کرد. بقول صدق فقیه طرحی که انگلستان اجرا کرد خیلی ماهرانه بود. اولاً تشکیل ایران واحد یعنی سرکوب قدرتهاى محلی مانند شیخ خزعل و جنگل (که تجربه تاریخی گرانیهایی برای ملت ایران است) و از بین بردن اسماعیل آقا در آذربایجان. باین ترتیب اساسی حکومت مقتدر ریخته شد. حکومت مقتدر برای حفظ سلطه انگلیس. حکومتی که فایده آن بعد از شهریور ۲۰ روشن شد. بعد از سرکوبی های لازم بعد از تبدیل مجلس به یک مجلس بی اراده و ایجاد ثبات لازم، بالاخره در سال ۱۳۱۲ ساله اصلی نفت مصرح شد و قرار داد ۱۹۳۳ بسته شد. مثل پارسا اول تبلیغات و مراغانی و متینک بود و بعد امضای تقی زاده پای قرار داد ننگینی که توسط دکتر صدق لغو شد. این قرارداد دو هدف اصلی داشت. اولاً مدت قرارداد تمدید شد یعنی به مدت قرار داد داری که ۲۰ سال بود ۳۰ سال اضافه شد. ثانیاً برای مقابله با ساله استقلال طلبی عراق که ممکن بود باعث جنبش مردم شود. طبق این قرار داد اگر وضع عراق عوض میشد منافع انگلیس ثابت میماند. از این

سالها میگذشت. در شهریور ۲۰ تمام ایران زیر سلطه خارجی رفت. بعضی از افسرها با چادر رفتند و ایران فقط ۳ ساعت نوام آورد. جنگد و مهنوز تمام نشده بود که طرح تجزیه ایران این بازبوسیله انگلیس و آمریکا ریخته شد و دولت شوروی آن زمان با سرعت طرح را رد کرد. این قرارداد توسط دولت حکیمی شد. آیا وقتیکه نخست وزیر ایران طرح تجزیه کشور خود را بریزد ماحق نداری بگوئیم که تابع ملت و خلق ایران هستیم. نه دولت ایران؟ این طرح با مجاهدات طاقت فرسای مصدق رد شد. تا آنده خود شریک فشار نباشد نمی فهمد فشار یعنی چه تهدید یعنی چه. وقتی این طرح رد شد معاون وزارت خارجه شوروی در مورد امتیازات نفت گفتگوهای بعمل آورد. چون دولت شوروی جوان بود و از دولت انگلیس وحشت داشت و از طرفی دولت انگلیس بخاطر امتیازات نفت خود در جنوب حاضر به معاملاتی در باره نفت مناطق شمالی بود. برای همین امر نخست وزیر وقت ساعد به سفیر روس وعده‌هایی داد. ولی ملیون بیکار نشسته بودند و با کوششی زیاد ماده گذراندند که ضمن آن جلوی سلطه شوروی گرفته شد و آن‌ها هر گونه امتیازی بهر نحوی مسکوت گذاشته شد و بموافقت بعدی مجلس موکول گشت. با اینهمه امپریالیسم از جان ملت فقیر دست برنداشت و در سال ۳۲۹ رزم آرا را از ستاد ارتش به کرسی نخست وزیری نشانده. رزم آرا را لباس ظاهر فریب خود مختاری ولایات در امور داخلی این لایحه را بمجلس برد. وظیفه دیگر این خون آشام این بود که لایحه مربوط به نفت را بمجلس برساند. باز هم ملیون که رهبری آنها را کتر مصدق به عهده داشت پس از مشاجرات و مباحثات و زحمتهای زیاد توانستند آنرا در رنطفه خفیه کنند و جلوی سلطه خارجی را بگیرند. قرار داد منتفی شد. سپهبد رزم آرا بانتقام بازی کردن با سرنوشت ملت بقتل رسید.

برگردیم به نفت - اوضاع داخلی مملکت بعلمت رشد سیاسی مردم تب و تاب دیگری داشت. بعد از شهریور ۲۰ مصدق نفت را تبدیل به یک شعار و انگیزه ملی کرد. صفوف مردم را متشکل و شعله‌ها را فروزان تر ساخت. بعد از مجلس ۱۵ نمایندگان واقعا مجاهدت کردند. شرکت غاصب نفت ایران و انگلیس که در واقع نماینده دولت انگلیس بود از تطمیع نمایندگان گرفته تاحیس آزاد یخواهان از هیچ چیز فرونگد ارنکرد. حتی طرح آنچه که امروز "اصلاحات ارضی" است در آن زمان بوسیله تقسیم املاک سلطنتی ریخته شد. مساله ظاهر فریب تقسیم املاک سلطنتی برای فراموش کردن مساله نفت از آن‌ها طرح شده بود. با اینهمه نفت همچنان در مرکز افکار مردم بود.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

نان در تهران قحط شد. سرانجام اراده خلق راه خود را پیش برد و در ۱۳۲۹ نفت ملی شد.

آنروز طعم پیروزی مردم چشیده شد. بعد از آن روزهای پرافتخار دیگری در پیش بود. پیروزی بر انگلیس در مورد نفت و دیگر روز ۳۰ تیر ۱۳۳۱ روز تجلی اراده خلق بود. آنروز خلق بر ننگ تسلیم پیروز شد. البته در آئینه از این روزهای طلائی بسیار خواهیم داشت. باید گفت که مشروطه برای مدت محدودی در وام آورد. در ۲۸۰۰۰ (که سال و ماه آن را نمیگویم) مشروطیت بخاک سپرد شد. شکست نهضت بحکم تاریخ ضرورت داشت. احتیاجی نیست که من سیاست دولت مصدق را روشن کنم. او نمیخواست هیچ سلطه‌ای بر کشور ما برقرار باشد. از نظر اقتصاد اولین و آخرین بود چه متعادل را تقدیم به مجلس کرد. برای اولین بار صدارت با واردات برابری میکرد. بهر حال آن روزگرم تابستان به سیاهی و سردی تبدیل شد.

وضع سیاست خارجی تبدیل شکل داد. از ابتدا ای قرن اخیر بعزت ناپس مان بودن وضع اقتصاد و مبارزات ایدئولوژیک مخصوصاً "انقلاب کبیر" آگاهی سیاسی مردم جهان بالا رفت. و جنگ تجاوزگاران که صرفاً بخاطر منافع استعمار بود به این امر کمک زیادی کرد. در این و جنگ کمرد و امپریالیسم غدار شکسته شد انگلیس و فرانسه. الجزایر و ویتنام آزاد شدند. در مستعمرات هر روز جنبش تازه‌ای در می‌گرفت و ضرب المثلهای "آفتاب هرگز در مستعمرات انگلستان غروب نمیکند" و "هر جا موجی باشد ساحلش انگلستان است" از بین رفت. بقول یک انقلابی بعد از جنگ آنچه باقی میماند در مجموع بطور کلی بنفع نیروهای مترقی است. خود جنگ‌افروزیها بیشتر از جنگ هراس دارند علت بکار نبردن جنگ ترس از تلفات نیست چیزی دیگری است.

در پایان جنگ امپریالیسم ناجوانمرد دیگری بروز کرد و قدم در راه انگلیس گذاشت. این کشور استعمار طلب ایالات متحده آمریکا بود که اکنون در رویتنام برای کائوکی سینه میزند و در مالکد یگروشتییان ارتجاع است. در ایران (بعنی می‌گویند راجع به آمریکا انگول) کار بجائی کشید که آمریکا طلب سهم خود را میکرد. تمام سهم نفت عربستان سعودی را بخود اختصاص داد. بود و در مورد ایران هم نقشه مشابهی داشت. این بود که مسائل به آن روز کشید که نباید بکشد. ابتدا اشواتسکف با ایران آمد و بعد شاهزاده خانم ایرانی و . . . زاهدی و شعبان جعفری با هم کودتا

کردند. د یکتانوری نظامی د وباره باشدت بیشتر اده یافت. شکجه و تیرساران قهرمانان آغاز شد. د کتر حسین قاطعی با. ۴ د رجه تب بعد از تحمل شکجه های طاف فرسای پای چویه د ابرده شد. کریمپور شیرازی زنده زنده سوخته شد. روز ۵ از قهرمانان شرافتمند تیرباران شد. از این پس سیل مستشاران از ایالات متحده به بایران سرازیر شد. تمام کک های خارجی بجز تجاوز چیزی نبود. یکی از آقایان د اد رسان خوابیده است (خنده حضار)

بهر حال از نظر اقتصادی بیزوی وارادت ۷ برابر صاد رات شد. تحت تاثیر سلطه خارجی تورم ارزی ایجاد شد بطوریکه د ۱۳۳۶ ریال بنحو چشمگیری تنزل کرد ولسی د لار بالا رفت.

رئیس د اد گاه: به کیفر خواست مربوط نیست.

... وقتی آنها از آسیاب افتاد و مخالفین سرکوب شدند یک مجلس فرمایشی تشکیل شد گونی گونی شناسنامه ها پدید میشدند بدون آنکه شمرده شوند. قرار اد معروف ۵-۵-۵۰ پرازوعد ه های تو خالی و خیلی چیزهای د یگره بعد از تصویب این فراراد اد در مجلس فرمایشی وقت تمام بافته های نهضت ملی پنبه شد. با ز جریان نفت پیشست د رهای بسته کشیده شد. چراکه د ریشت د رهای بسته بهتر میشود خیانت کرد. د رجرائد صحبت از رهبری خرد مند انه بود. رنوس مهم این فراراد اد: اولاً بخاطر سر فریب مردم ایران ملی شدن نفت را بر سمیت شناختند. عین شیرینی یال و دم یک بیکت نفت ساختند که بگویند مظهر این ملت است. ثانیاً آمدند اد ا ره امور اکتشاف و استخراج را از کسرسیوم جد ا کردند. شرکت اکتشاف و استخراج د ر عوض شرکت های که کسرسیوم از آنها تشکیل شده بود شروع بکار کرد. شرکت های تشکیل د دهند کسرسیوم شرکت های تجاری بودند که د ر هلند طبق قوانین هلند با سرمایه ۱۰۰ هزار لیره ثبت رسیده بودند. د ر این شرکت ها تقسیم سهام باین ترتیب بود: ۴۰٪ شرکت های مختلف آمریکائی ۴۰٪ انگلیس ۱۰٪ فرانسه و بقیه هلند. سهم ایران از نفت ۱٪ قیمت تعیین شده اعلام شد. از نظر مالیات طبق قانون مالیات برد رآمد ۵۰٪ بعنوان مالیات به دولت د اده میشد و کسرسیوم ۵۰٪ بقیه را صاحب میشد. تاسیسات خطی که از قصر شیرین شروع و به بلوچستان ختم میشود بایران تعلق گرفت. د ر مقابل وظائفی بعهد د دولت ایران گذارد شده. اولاً انجام خدمات فرعی وابسته به نفت (ساختن بیمارستان نانوائی پرد اخت بیمه کارکران) و مخارجی که قبلاً بعهد د شرکت نفت سابق بود. ثانیاً پخش نفت د ر ایران که همیشه به ضرر شرکت نفت تمام شده است.

که همیشه به ضرر شرکت نفت تمام شده است. ناالنا اداره نفت شاه تابحال سبب استعمار انگلیس بود و حالا برادر بزرگش آمریکا هم وارد میشد و در کنارشان فرانسه و هلند که همه مستجمعی علیه منافع این مملکت اقدام کنند. در مورد سهم ایران که $\frac{1}{3}$ یعنی ۱۲/۵٪ قیمت اعلام شده بود طبق قانون ۵۰-۵۰ آنرا در پنجاه درصد سود گنجانند یعنی سهم مالیات ۳۲/۵ در صد میشد. باین ترتیب کلاه بزرگی بر سر ملت ایران گذاشتند. مهمتر از همه قیمت اعلام شده نفت ۲/۱۲ دلار بود که سهم ایران را بر اساس ۱/۲۹ دلار حساب میکردند. بعد از غوغای تبلیغاتی ایران نازه سهم ایران شد ۱۲/۵ یعنی رسیدیم به قبل از سال ۳۱. علاوه بر اینها فرار شد که ۱۲٪ بهره مالکانه و ۷۵٪ تحفیف قانونی نسبت به قیمت نفت با ایران تعلق بگیرد که ۷۵٪ را دارد. بعد از سقوط لیره انگلیس، ایران بابت سهم خود چند میلیون دلار ضرر کرد که نمیدادند و بالاخره دادند. البته رسیدگی به دفترها را معلوم نیست چه کسی انجام داده است ما چه میدانیم که کارشناسان و مستشاران چقدر حقوق میگیرند. چون موضوع به کیفر حواست مربوط نیست! وقتی صبح روز رادگاه به آم خبر محاکمه را میدهند اینسوری میشود.

اکنون نفت ایران با سرعت بیشتر به غارت میرود. میخواهند قبل از پایان فرار داد ثروت خلق را بتاراج بدهند. ذخائر نفت ایران در سال ۱۹۸۲ بی پایان خواهد رسید کل تولید نفت ایران ۲۲۲ میلیون تن است. حساب کنید بهر کس چقدر میرسد. کل درآمد از هر تن نفت ایران برای ایران ۱۳ دلار از ۱۰ دلار بوده است. همین نفت در بازار اروپا ۱۴ دلار بفرویش میرسد. اگر مخارج نفت را برای هر تن ۴ دلار بگیریم ۱۸۲۵ میلیون دلار یعنی ۱۴/۴ میلیارد تومان تزییع میشود. آقای داسنان این ارقام را حساب کنید نه ارزی را که برای مسائلهای ما که این همه از آنها عکس گرفته اید خارج میشود اشاره میکنیم به جریانات پارسل نفت، چه جنجالی در باره پیروزی ایران در اوک بر با عدد الان با عدد ثابت میکنم که چه بدست آمده است. قیمت نفت بطور کلی ۳۳ سنت در هر بشکه افزایش یافته است و مالیات سود ویژه از ۵۰٪ به ۵۵٪ افزایش یافته است. اولاً بر اثر جنگ ویتنام، بر اثر توهم که بصورت بمب روی مردم ویتنام ریخته میشود یا ۲۰٪ افزایش برای توهم پول پذیرفته است. در فاصله ۱۰ سال بین دو قیمت گذاری ۶ دلار ۲۲٪ کاهش یافته است. اگر میخواستند قیمت را ثابت نگه دارند باید قیمت بشکه را ۵۴ سنت اضافه میکردند. این سیر قهقراست نه ترقی. لیبی سهم

خود را از ۲/۰۸ دلار میرساند به ۳/۱۵ دلار. طبق آمار بین‌المللی، تودم واقعی سالانه ۷۹٪ است در حالیکه روزنامه‌های ایران آنرا ۳/۵٪ گزارش میدهند (اطلاعات و کیهان) روی سخن ما به خبرنگاران نیست. ما میدانیم کار از جای دیگری خراب است در لیبی دولت در کلیه مراحل تولید شرکت دارد. در ایران این مساله هنوز حل نشده است لیبی قرارداد ۵ ساله را بشرطی قبول کرد که کمپانی‌ها پول را از کشور خارج نکنند و دوباره در لیبی سرمایه گذاری کنند. در ایران بر عکس عمل میشود. با این همه اجازات مهم ایران دو ملیارد است ولی آنرا چطور خرج میکنند. یک ملیارد در شرکت نفت خرج میشود. دختر سناتوری را میشناسم که سه ماه از شرکت نفت پول میگردد یک مقدار بچیب‌سازمان برنامه و مستشاران میرود. پروژه ساختمان سد دز که سازمان برنامه بآن مفتخر است با دستگاه‌های الکترونیک ساخته شده است و بکار می افتد و کارشناسان آن اغلب خارجی با حقوق سرسام آوری مشغول بکار هستند. حتی وسائل تعمیر این ماشینها در ایران موجود نیست. اگر یکی از این دستگاهها از کار بیفتد یا باید آنرا عوض کنند و یا ببرند خارج تعمیر کنند. نتیجه سد را که برق است سرمایه‌داری بنام هاشم نراقی با کمک خارجی‌ها ب مردم میفروشد و سولن را بچیب‌سازمان دکتور مصدق فقید بیاری مردم برای گذاراندن طرح ملی شدن نفت روی کار آمد. برای اجرای همین قانون بود که مردم حکومت را به مصدق سپردند و این تنها حکومت قانونی بود که در ایران بوجود آمد...

رئیس پس از نیم ساعت تنفس دادگاه به شما در جهت رفع اتهام گوش میکند. ... از ۲۸ مرداد و از کنترا بعدش میگدریم. بعد از این جریانات دست چپا و لهرها غلط ایران باز میشود. عوائد نفت تا آخرین دلار صرف تهیه اسلحه و مهمات و حقوق مستشاران خارجی میشود. صدها ملیون دلار به جیب شرکت‌های خارجی میرود. "آرامش" مدیر سازمان برنامه در سال ۱۳۳۹ در روزنامه اعلام کرد که صدها ملیون دلار بعنوان مختلف حیف و میل شده است و عده داده شده بود که ایران با پول نفت بهشت میشود. اما میبینیم ملت ایران هر روز فقیر و فقیر تر میشود. در جواب اعتصاب کارگران کوره بز خانه ۲۰۰ نفر کشته شدند. در اعتصابات معلمین دکتور خانعلی کشته و عده دیگری مجروح شدند. قاتلین مردم ارتقا درجه یافتند. قاتل خانعلی بریاست شهریارانی یکی از شهرستانها منصوب شده. معلمین و کوره بزچی‌ها فقط اضافه حقوق میخواستند. وقتی رژیم جواب خواسته‌های قانونی مردم را اینطور میدهد آیا میشود ساکت نشست و

در سال ۱۳۳۶ قانون تشکیل ساواک از مجلس گنشت. ساواک مامور حفظ امنیت و مبارزه با مخالفین شد. قبل از روی کار آمدن دکتر امینی اختناق بعدی بود که هر آن احتمال انفجار مهفت. دکتر امینی در زمان صدارت خود گفت خزانه را برده اند. جایپده اند. سپید کیا، رئیس شهر یانی علوی مقدم و دکتر اقبال قرار بود به محاکمه خوانده شوند. دکتر اقبال ۲۴ ساعت قبل از دستگیری کشور را ترک کرد و در مراجع قضائی دادگستری اتهام اوزدوده شد. دکتر اقبال برگشت و در بزرگترین مقام انتصاب کشور قرار گرفت. اتهام میزنند و پس میگیرند. کار مملکت حساب ندارد.

دکتر امینی میآید حبسه ملی و نهضت آزادی فعالین میادند مجلس ۲۰ را می بندند و دکتر امینی می رود حبسه ملی کنار می رود. دانشگاه حواستار کب اجازه تشکیل اتحادیه صنفی میشود. خواسته های دانشجویان رد میشود. رئیس دانشگاه دکتر فرهاد استعفا میدهد. دولتها میآیند و میروند و سرنیزه برجا و استوار مهماند. برای مبارزه با این خفقان عمومی روحانیتیکه ۵۰ سال کنار کشیده بود وارد صحنه شد. در قم عروشی بپا شد. طلبه ها به پلیس حمله کردند و دو نفر کشته شدند. تحریک همه گیر میشود روحانی اعتراض میکند با زاری اعتراض میکند، دانشجویان اعتراض میکند در نتیجه. واقعه ۱۵ خرداد روی میدهد. بعد از ۱۵ خرداد ۴۲، حنیف نژاد و سعید محسن و بدیع زادگان معتقد میشوند که با منطق و دلیل نمیتوان حق را گرفت اینها به نهج البلاغه استناد میکنند که باید حق را گرفت. روز ۱۶ آذر باز دانشجویان اعتصاب کردند. از این بیعد مرتب گروه هائی با ایدئولوژی انقلاب مسلحانه بوجود می آید. منصور نور میشود، بیژن جزئی گروهی تشکیل میدهد. باک نژاد گروه فلسطین را تشکیل میدهد. اتهام میزنند که این گروه ها با بختیار ارتباط دارند. ما بختیار را جزو رژیم میدانیم و اختلاف او را با رژیم قبول نداریم. از گروه طوفان ۴۰ نفر را می کشتند. گروه آرمان خلق کشف میشود. در زندان نزل ولیمه ناصر مدنی، ناصر کریمی و بهرام طاهرزاده اعدام میشوند.

اواخر سال ۴۹ و در سال ۵۰ گروهی چریکی بنام چریکهای فدائی خلق که تحت عنوان سیاهکل شناخته شدند وارد گود میشوند که فعالیت های آنها هنوز ادامه دارد. «سازمان مجاهدین خلق» و «سازمان رهائی بخش خلق» که به عراق چپانده شدند کشف میشود و ده ها گروه دیگر که انشا اله کشف نشده اند. اینها نشان میدهد که وضع

صوری است که راه دیگری وجود ندارد. حرف اول فقر و ده نفر نیست. صدها مهندس کسه چارک چپالت بانها نسجید در این راه اند. مهندس هوشمند ماهی ۱۶۰۹۰ تومان حقوق میگیرد پس مساله شخصی نیست. در سال ۴۰ حد اکثر اعلامیه پخش میکردند ولی امروز در سال ۵۰ مسلسل بدست میگیرند. موج مبارزات خاموشی نگرفته بلکه شدیدتر هم شده است. کف پیک گروه نباید باعث ناراحتی بشود. پیروزی ساده و زود بدست نمی آید حضرت علی میگوید: «خداوند هیچگاه گردنکنان روزگار را خود نابود نمیکند. به آنها مهلت میدهد که اگر بر نگردند بیشتر فرو روند و مردم را اجرا کننده عدل الهی می کند.» «خداوند استخوان هیچ ملتی پیوند نمیدهد و استحکام نمیبخشد مگر بعد از سختی ها و گرفتاری ها.» «خطبه آوردم که نگویند اسلام را ملعبه نست خود قرار داده است از ریختن خون یکنفر صدها نفر مثل او بر میخیزند. سال ۱۳۵۰ سر آغاز این مبارزه است. سالی است که مبارزین ملت، مبارزات مسلحانه و جنگهای توده‌ای در روستاها را تنها راه نجات میدانند. ویتنام، فلسطین و امریکای لاتین چنین راهی را انتخاب کرده اند. گروه «سياهکل» با دادن ۳۲ شهید و ۶ محکوم به اعدام [تا آنوقت و تا حدی که رجوی اطلاع داشته] و ده ها زندانی پيشاهنگ این راه بزرگ بوده است. بموازات اوج گیری مبارزه و پیدایی گروه‌های مسلح، رژیم بیخ‌از پیوسته بدمان بیگانه شده است. دست‌سرمایه داران بیخ‌از هر موقع در ایران باز است و با تشویق و تضمین سرمایه گذاران در توسعه صنعتی و معدنی و کشاورزی، ایران را بهشت سرمایه گذاری خوانده و آنها را بخاطر حفظ منافع کنونی‌شان بنگهداری رژیم کنونی تشویق میکند. باین‌جود حراج ثروتهای ملی کشور و بهره کشی از منابع انسانی چه نامی میشود داد؟ پیوند طبیعی کشورهای که دارای زمینهای مادی و فرهنگی مشابهی هستند مثل کشور ما و فلسطین باعث ایجاد زمینهای مشترک انقلابی میشود و برای همین است که رژیم ایران از تاثیر انقلاب فلسطین و نهضت آزادیخواه در سواحل و شیخ نشین ها در مملکت ما میترسد و میکوشد بصورت پایگاهی مطمئن بر ضد این جنبی‌ها وبصورت زاندارم منطقه ای درآید... در سیستان و در فارس و در زابل حمام ها دو ماه دو ماه تعطیل است. مردم بچه هایشان را میفروشند. فقر و گرسنگی حدود ۵۰۰ هزار نفر را از سیستان فراری داده است. می بینیم که بوجه دفاعی کشور به ۴۴٪ افزایش یافته است. (۲۲٪ اضافه شده است). با ترویج فساد سرمایه داری غرب و اشاعه افکار لائالی گری از طریق انتشارات و مطبوعات کثیفی مانند زن روز و اطلاعات هفتگی و

ایجاد کاخ‌های جوانان که با ظاهر آراسته‌شان به‌جای بالا بردن سطح دانشی، هرزگی را رواج می‌دهند. جوانان ما را از پرداختن به مسائل اصلی و مبتلا به خود و جامعه باز می‌دارند. نصف برنام‌های رادیو تلویزیون در باره روابط دختر و پسر است. بجای آموزش علم معشوق به مدرک را رواج می‌دهند. روزی چندین هزار مدرک صادر می‌کنند. جهت ایجاد روحیه یاس و از خودباختگی خفقان جدید اعمال می‌کنند. ساواک میلیون‌ها پول در اختیار دارد. برای دستگیری من ۵۰ اتوموبیل مرا تعقیب می‌کردند. برای دانشگاه کادر مسلح می‌گذارند. در ادارات هیچ کارمندی بدون پر کردن پرسشنامه‌های عریض و طویل ساواک استخدام نمی‌شود و هزار مثال دیگر. هر کجا برویم با ساواک سر و کار داریم. اسران بسیار نشسته را رئیس حفاظت کارخانه‌ها و ادارات و دانشگاه‌ها می‌کنند. کارگر روزی ۹ ساعت کار میکند و تا لب با اعتراض باز کند کتک و شکنجه نمایی می‌شود. در شهرها شاهد مکالمه نماینده با زوسی شاهنشاهی با کارگر کارخانه سیمان فارس بودم. از کارگر سوال کردند خانه داری؟ رادیو و تلویزیون داری؟ گفت ندارم. به زندان دورداد حواله‌ای کردند.

به پلیس و ساواک در پیدا کردن گروه‌های مبارزین اختیار تام داده‌اند. آقای ساقی رئیس زندان قزل قلعه می‌گوید همان‌طور که تا بحال گوشتید با آنها رفتار کنید... کارگران جهان چیت که بر! از اضافه حقوق اعتصاب کرده بودند در کاروانسرا سنگی به مسلسل بسته شدند ۱۲ گفت دادند. در اردیبهشت اسما ل به دانشگاه آریامهر و دانشگاه تهران و حتی به استادان حمله کردند. ده نفر از دانشجویان را که مشغول بازی شطرنج بودند بدون هیچ‌گونه مجوزی بازداشت کردند و آنها هم متقابلاً اعتصاب غذا کردند. آیت‌الله طالقانی به زابل تبسود شد. محکومیت‌های طویل‌المده در انتظار دارندگان کتب متضاد با منافع رژیم حاکم ایران است. رژیم چاره‌ای جز شدت عمل ندارد. این نشانه احتضار اوست. متهمین سیاسی در ساواک و اطلاعات شهربانی با وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها روبرو می‌شوند. طبق ماده ۱۳۱ هر کدام از ما مورین منہمی را برای گرفتن اقرار شکنجه بدنند مسئولند. اگر شکنجه به‌مرکب بیانجامد ما مود قاتل محسوب می‌شود... سوزاندن با اجاق برقی، کشیدن ناخن، شلاق سیمی، استعمال بطری، تجاوز و انواع دیگر شکنجه‌ها از طرق معمولی اقرار گرفتن مبر شکنجه‌گاه‌های ساواک است. محمود

احمد زاده دو ماه در بیمارستان بستری بود و بارها عملی کردند. او از شکنجه باطوم و ریختن اسید چنان موسخت که نهایتاً داشت. بهروز دهقانی زیر شکنجه شهید شد. شدت ضربات به حنیف نژاد بقدری بود که استخوانهای پا و دست و دماغ و گوش او شکسته شد. عده‌ای از متهمین شنوائی خود را از دست دادند... شما تحمل شنیدن اظهارات ما را ندارید. ما از رؤیای این انتقاری نداریم. با مید روزی که ملت خائنین را به دادگاه بکشاند. مریک بر امریکا و امیربالیسم. درود به مردانی که رنج انقلاب را تحمل کردند.



از آنچه در دادگاه گذشت



ناصر مادی: ما راه حل غیر مسالمت آمیز دست بردن به اسلحه را انتخاب کردیم.



علی مهبندوست: همینجا اگر اسلحه داشتیم داستان را بخاطر بیعدالتیهای می‌کشتم.



مسعود رجوی: ما سلاحها را برای عناصر پلیدی مثل شما آماده کرده بودیم.



وکول مدافع تسخیری متهمین یک تا چهار گفت: اینها کتب مارکستی را بخاطر رد رویه مارکسیسم مطالعه میکرده‌اند...

مادی حرف او را قطع کرده گفت: درست است که ما مسلمانیم و مطالعات اسلامی داریم ولی به مارکسیسم بعنوان یک مکتب مترقی اجتماعی احترام می‌گذاریم.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

- بعنوان آخرین دفاع، با توجه به نزاکت دادگاه، میتوانم مطالب خود را بیان کنم.
- آنچه متهم اول اظهار داشت مورد تأیید بنده است.

- اظهارات متهم اول را کنار بگذارید و اگر مطلب تازه‌ای دارید بگوئید.

- ما اظهارات دانستان را تحمل کردیم، شما هم به حرفهای ما گوش کنید. ما خود را به عراق نفروخته‌ایم. آقای دانستان، بقول برشت: «آنکس که حقیقت را نمیدانسد نادان است ولی آنکس که حقیقت را میداند و می‌پوشاند تبهکار است» آقای دانستان، شما کاسه از آبرو داغتر هستید. من بشما حق میدهم که با بزنجیر کشیدن ما موقعیت خود را مستحکم کنید. به ستاره‌هایی که به شانه هاشان زده‌اید نگاه کنید. از خون جوانان وطن رنگ گرفته‌است در مورد بعضی از اتهامات وارده در کبفر خواست چون آقای ناصر صادق به بعضی از آنها اشاره کرد بخاطر تنگی وقت توضیح بیشتری نمیدهم در مورد مهمترین اتهام ناروایی که مقام امنیتی بما زده است یعنی تماس با عراق. حرفهایی دارم که میزنم. تماس ما با خارج در دو جبهه صورت گرفته است. یکی تماس با مقاومت فلسطین که چون سازمانی ضد امپریالیسم است و بخاطر تجارب انقلابی میتواند موثر واقع شود، بمنظور گرداندن تعلیمات پارتیزانی مورد استفاده قرار گرفته است و دیگری در مورد سازمان کفدراسیون که پیوندی است بر علیه دشمن واحد.

اتهام رابطه با عراق نیز تهمت سیاسی است. ما با دولت عراق هیچ تماسی نداختمیم و به‌هیچوجه تعهد سپردن و قول همکاری در میان نبوده‌است. براساس ما بعد از نشاندن هواپیما در عراق مورد سوءظن قرار گرفتند. بعد از آن فرود اجباراً مدت کوتاهی در آنجا توقف کردند و سپس به پایگاه فتح در لبنان رفتند. در کبفر خواست معلوم نیست که اگر ما تعهد داده‌ایم در عوض چه امتیازی گرفته‌ایم. مگر بما آنچه داده اند؟ تعلیمات داده‌اند؟ کدریک؟ ما بعزت دانش را بعهده حسی از خاک عراق عبور نکردیم بلکه دور زدیم. میتوانستیم از مرز ایران وارد عراق شویم ولی ایران، دبی، بهرروت و عمان را دور زدیم که از خاک عراق عبور نکرده باشیم. در کبفر خواست صحبت از گرفتن کمک‌عده است. ما نه از عراق و نه از هیچ منبع دیگری کمک دریافت نکردیم. هیچ سندی در این باره به دادگاه داده نشده است. من در عمان بودم و کلیه سلاح‌ها و مهمات را از قاچاقچیان خریداری میکردم و احتیاجی بکمک عراق نبود. ما این قبیل تلافی‌مذبوحانه را اقدامی بمنظور درهم کوبیدن اتحاد خلق

ایران میدانیم . در کيفرخواست آمده که ما از بازاری ها پول گرفته ایم و با آن اسلحه خریده ایم . همانطور که برادر م ناصر صادق توضیح داد پول اسلحه اکثرا توسط کمیته مرکزی تامین شده بود . ماهی ۳ هزار تومان بودجه این کار بوده است . این پولها بوسیله بدیع زادگان ، باکری ، ناصر صادق و حنیف نواد تهیه میشد . حنیف نواد چون دوستانی را در بازار داشت که بر پاک بودن او واقف بودند و میدانستند که این پولها را صرف مبارزه میکند و او را قبول داشتند اگر پول میخواست در اختیار می دادند . مسئله پول در کيفرخواست زیاد بزرگ شده در حالی که شاید فقط چند هزار تومان صرف خرید اسلحه شده باشد . در مورد تعداد اسلحه و مهمات هم اغراق شده مثلا گفته اند ما ۵۰۰ نارنجک داشتیم . در حالی که ۹۰ نارنجک بیشتر نداشتیم . گفتند بدیع زادگان چهار اسلحه کمری و چهار مسلسل با خود آورده بود . من که ندیدم . در مورد مطالب دیگر کيفرخواست توضیح نمیدم .

ما و کسانی نظیر ما وقتی در چنین دادگاهی قرار میگیریم معمولا دو نوع می توانیم از خود دفاع کنیم . دفاع حقوقی و دفاع ایدئولوژیک ... در بازجویی خواستند بگوئیم چه عواملی باعث شده ما باین جا کشانده شده ایم . ما پاک ترین جوانهای این ملت هستیم . می گویند شما که میتوانید صاحب مقام و منصب شوید ، مرفه باشید همرا میخواهید تا آخر عمر در زندان بپسوسید ، یا مقابل جوجه آتشی قرار گیرید ؟ روشن شدن این مطلب حتی برای داستان میتواند مفید باشد . دادگاه واقعی از نظر مسا دادگاه عدل الهی است .

وقتی تاریخ ایران را ورق بزنیم هیچ دیده ای را نمیتوان یافت که خلق ما بزرگ رفتن حق خود در مقابل حکومت استعمار ساکت نبسته باشد . هر ساله عده زیادی رابه محاکمه میکنند و محکوم میکنند . امروز نوبت ماست که بعنوان نویسنده محاکمه می شویم . توطئه گر واقعی ، ما هستیم یا اینهایی که ما را به محاکمه کشیده اند . در ماه گذشته فعالیتهای انقلابیون شامل انفجار و کشتار و شهادت انقلابی بوده است سال گذشته ۱۳ نفر از افراد گروه سیاهکل اعدام شدند (تا آنجا که بازگانی مطلع شده) معلمین و کارگران حرکت واحد و دانشجویان دانشگاه اعتماد کرده اند . همین تازه آغاز کار است . هیچ توطئه ای موفق به فرونشاندن کامل شعله های آزادیخواهی نشده است . با گفتن این مسائل باید توضیح بدهم چرا اینطور است . چرا تاریخ معاصر با خون جوانان رنگین میشود ؟ چرا گروه های مهاجم پیوسته رشد میکنند ؟ چرا

این فرزندان بخلی در کار رهائی خلق هستند. اینها اگر بخواهند بقول خودتان از همه چیز برخوردار شوند میتوانند ولی چرا اینطور بی باکانه روانه زندان میگردند و یا در مقابل جوخه آتش فرار میگیرند. علم الاجتماع انقلابی بهمه این سوالات جواب میدهد زیرا این علم الاجتماع در صدد یافتن علت و معلول است. من آنطور که از حرفهای آقای داستان استنباط کردم نمیخواهند مسائل را بشکافند و علت اصلی را پیدا کنند. بعلاوه آنها توطئه میزنند و تقاضای اعدام میکنند. او از خودش نمیبرد که این جوانان چرا باین راه کشیده شده اند و آیا من حق دارم برای آنها تقاضای اعدام کنم؟ علم الاجتماع انقلابی توانسته است بر مبنای تخصصی "علت موجب معلول است" باین سوال جواب بدهد. جامعه شناسی انقلابی میگوید زیر بنای هر جامعه اگر جامعه استثماری باشد قطعا مبتنی بر استثمار سابقه زحمتکشی است. اگر رابطه مرابطه استثمار بردگی باشد طبقه زحمتکشی برده است و الی آخر ... بنا بر این تنها رابطه تعیین کننده در یک جامعه اوضاع اقتصادی آن جامعه است. اقتصاد و روابط تولیدی رله شده دارد. در حال حاضر روابط امپریالیستی و سرمایه داری بر جهان حکم فرماست. مواد اولیه از کشورهای استثمار شونده خارج و با سود فراوان بخود آن کشورها باز گردانده میشوند. مدعا ملیارد دلار خرج صنایع نظامی و جنگی میشود. مهمترین امتیاز انسان بر حیوان اینست که انسان با کارش دنیای خارج را تغییر میدهد و با این تغییر صفات انسانی او تغییر میابد و حاصل آن حفظ بقا و تکامل خود و اجتماع است. اگر جامعه طوری باشد که یک عدم کار کنند و یک عده دیگر از دسترنج آنها استفاده کنند جامعه به هیچ جا نمیرسد. بهره کشی انسان از انسان خیانت به سرنوشت بشریت است و اقمیات عینی و شکل استثمار در تاریخ متفاوت بوده است ولی عدت آن تغییر نکرده است. بهره کشی ارباب از رعیت و سرمایه دار از کارگر فقط اسمی رژیم را عوض می کند. در قرآن آمده است که " نه بحق دیگران تجاوز کنید و نه بپذیرید که بشمای تجاوز شود" شبکه عریض و طویل بانکها که اساسان بر رباخواری است و هزارا مایل مثل فرمانفرمایان معلوم و ایلقانان تمام منابع جامعه را بخود اختصاص داده اند و تمام ثروتها را نزد خود انباشته اند. موسسات انتفاعی چاره ندارند جز اینکه با بهره بیشتری بپزند و با تعطیل شوند. این پولها در کاباره ها، بهشت میزهای قمار و سالنهای رقصی و اماکن دیگر خرج میشوند.

از همین جاست که مجالس فرمایشی و قلبی تاسیس میشود و از فرهنگ و هنر جز

یک پوسته تو خالی چیز دیگر باقی نماند. کتب گمراه کننده و توجیه کننده و عمال و خائنه‌نی چون مصباح زاده و مسعودی‌ها و ... هستند که با انتشاراتی چون زندروز و توفیق باعثر و راج فساد میشوند. خلاصه اینکه در جامعه‌ای که زیر بنا استعمار است، مذهب بصورت آلت دست برای رسیدن بمقاصد هیات حاکمه در آمده هیات حاکمه از مذهب بعنوان مویب سیستم اقتصادی خود استفاده مینند. اگر به بررسی بهر دازیم، از تحلیل علمی همین نتایج گرفته میشود. جنیفی ۱۵ خرداد اثبات کننده این مدعاست

از آنجا که میدانیم بهترین بناها گاه برای انقلابیون روستاست و روستاییان را داخل شهر متمرکز میکنند. طرح دوم کشت و صنعت با اینهمه سلام و صلوات و تبلیغات ظاهرا برای توسعه کشاورزی ریخته شده بود ولی در واقع بمنظور فروختن زمین به قیمت ارزان به مالکین بزرگ مغارجیان و بخصوص امریکائی‌هاست. در اطراف رضاشاه دهکده آبادی بود که اکنون فقط ۴ خانوار دارد. زمینهای زیر سد دز خوزستان را در اختیار «ایسران - کالیفرنیا - شل» و شرکت «ام - ساج» گذاشته‌اند. در سال گذشته هاشم نراقی از یک نوع سبزی ملیونتها تومان سود برده است و سهم دولت ۱٪ اجاره بها و ۲٪ مالیات بوده است. ساختن سد دز که به آوارگی عده‌ای از هموطنان ما منجر شده است یک میلیارد و نیم تومان برای کیسه ملت خرج برداشته است. طرح عمران قزوین چیرفت و کهگیلویه بظاهر برای بالا بردن سطح تولید و در واقع تاراج ایران بدست اسرائیل است. یک کارشناس اسرائیلی ماهانه ۳۵ هزار تومان میگردد. اینها وطن خلو را میفروشند یا ما؟ اینها خیانت میکنند یا ما؟ قضاوت با ملت است. مردم زور فشار اقتصادی قرار دارند. چرا نباید مردم در مقابل امپریالیسم قدرت ابتکار را بدست گیرند و چرا نباید قادر به جلوگیری از اجرای طرح موجود باشند. در قرآن آیه ای آمده است که میگوید «چرا در راه خدا و زنان و مردان و کودکان درمانده که منتهای آرزویشان رهایی از قید ستمکاران است به پیکار بر نمیخیزید؟» تاریخ نشان میدهد که از کاوه آهنگر تا کارگران چیت‌سازی بر اثر ازدیاد هوشیاری سیاسی راه خود را بهتر شناخته و بسوی انقلاب پیش میروند کما اینکه هم اکنون عده‌ای سلاح به دست گرفته‌اند. به خلیل سلمانی نژاد کارگر انقلابی درود میفرستیم. از این پس مباحث خلق و رژیم جز دریائی از هول هیچ وجود نخواهد داشت. در آخرین روزهای سال گذشته ۱۳ نفر اعدام شدند. با تجارب تاریخی ۵۰ سال اخیر هیچ راهی بجز مبارزه مسلحانه به مقصد نمیرسد. ملت از راه تجربه آموزشی شیوه‌های مختلف بدست آورده. پسران گشت

۶۵ سال از انقلاب مشروطه چه راهی بجز در دست گرفتن اسلحه باقی میماند؟ بی تردید خلق صرفاً به ندای خطیبانی گمشده مینگردد که کلاستان سربسی است. جنگ چریکی آغاز شده است. این جنگ در شهرها ادامه دارد و ایجاد پایگاه سیاسی خواهد کرد. برای جلوگیری از تلفات بیهوده، استفاده از شیوه عمل انفجاری تجویز صحیحی است، تا آنکه دشمن نابود نابود باد.

مجاهدین شهید

من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه. فمنهم من قضى نحبه و منهم من ينتظر و ما بدلوا تبديلا (احزاب ۲۳) . از مومنین جوان مردانی هستند که نسبت به پیمانشان با خداوند وفادار مانده اند. عده ای از آنها به پیمانشان وفا کردند و عده ای در انتظار [لحظه انجام رسالت خود و وفای بعهده‌ی که با خداوند بسته اند] بسر می‌برند. اینها هرگز پیمان شکنی نمیکنند.

- ۱ - مجاهد احمد رضایی - اولین شهید سازمان مجاهدین خلق ایران که با اقدام جسورانه و متهورانه اش راه نوینی را در عمل پرویمان گشود. او مظهر خشم و تنفر و آشتی، نابدیری با دشمنان خلق بود.
- ۲ - مجاهد مهندس محمد حنیف نژاد بنیان گذار و رهبر مجاهدین خلق ایران که در تارک مبارزات انقلابی کشور ما ستاره‌ای درخشان بود و با افکار و اندیشه بیکرانیش و ایمان و صداقت خالصانه اش بیک انقلابی ممتاز و بیک مسلمان نمونه بود.
- ۳ - مجاهد مهندس علی اصغر بدیع زادگان بنیان گذار سازمان مجاهدین خلق ایران که نمونه درخشان جرات و شور انقلابی بود وی در صفوف مقدم جبهه نبرد با صهیونیسم و امپریالیسم جنگید و در روزهای خونین سپتامبر همراه برادران پیکارگر دلسطینی بر علیه ارتجاع اردن بنبرد پرداخت. در موقع بازگشت با ایران او هدایای برادران دلسطینی را که مفادیری بمب و فشنگ و نیز مسلسل بود بهمراه داشت. بعد از دستگیری ساعت تمام او را روی اجاق برقی از ناحیه پشت سوزاندند ولی لب را زدنش را ننگود و بعد از ۴ ماه که مورد عمل جراحی قرار گرفت سرانجام در حالیکه رمقی بر تنش نداشت او را ^{کشته} اصغر سمبل مقاومت و رازداری خلق ماست.
- ۴ - مجاهد سعید محسن بنیان گذار سازمان مجاهدین خلق ایران، مظهر عالی صداقت و وفاقت انقلابی که با اندیشه عمیق آموزگار بزرگی برای ما بود.
- ۵ - مجاهد محمود عسکری زاده از کادر رهبری - دلاوری از توده رنجور که اسلحه و رنج و سختی خلق را در ^{پشتانی} این تلاش‌ها مان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

- ۶ - مجاهد مهندس رسول مشکین فام از کادر رهبری که با نام مستعار شهید حسن سلامه قهرمان فلسطینی پدر روزهای خونین سپتامبر در کنار برادران پیکارگر فلسطینی بر علیه صهیونیسم و ارتجاع و امپریالیسم مردانه جنگید.
- ۷ - مجاهد مهندس ناصر صادق از کادر رهبری مدلاوری که يك لحظه در نبرد با دشمن آرام نداشت هیچکس ناصر را آرام و ساکت ندید.
- ۸ - مجاهد مهندس علی باکری از کادر رهبری که مدت یکسال از جمله در روزهای خونین سپتامبر در کنار برادران فلسطینی مردانه جنگید و با دانش وسیعی در زمینه مواد انفجاری و استعداد سرشار در حربه های نابود کننده ای در اختیار ما و برادران گذاشت.
- ۹ - مجاهد مهندس علی مبین دوست از کادر رهبری که در بیدادگاه شاه گفت اگر هم اکنون مسلسل بدست داشتهم همه شما را برگبار می بستم . علی برای همه ما برادری صمیمی و صديق بود.
- ۱۰ - مجاهد محمد بازرگانی از کادر رهبری مظهر صداقت و صفا و سرباز صمیمی میدان پیکار که همواره از شور انقلابی لبریز بود.
- ۱۱ - مجاهد مهندس علی اصغر منتظر حقیقی که طی دو مرحله درگیری در خیابان پناهپور و میدان خراسان با کشتن دو مزدور کثیف شاه در حالی که دوزخ مهلك گلوله بر تن داشت و بیجان بر زمین افتاده بود او را از ناحیه پا برگبار گلوله بستند . او کسه متخصی مواد انفجاری بود از خود تجارب و ساخته های دیقیمتی برای انقلاب بجا گذاشت
- ۱۲ - مجاهد حبیب اله رهبری که در صفا و باکی و استواری در نبرد نمونه ای درخشان بود . ده سال از ۲۵ سال زندگی انقلابی در پیکار گذشت .

درود بر همه شهیدان خلق از گروه بیشتاز " چریکهای فدایی خلق " نخستین حماسه آفرینان انقلاب مسلحانه خلق ایران که با خون پاکشان آنقدر به نهال انقلاب نوشاندند تا بارور شد . درود بر همه شهیدان گروه " آرمان خلق " مظاهر صداقت و تهور . درود بر همه شهیدان نهضت ملی ایران ، پیشگامان مبارزه با استعمار و ارتجاع در خاور میانه .

بخون آنان همگی سوگند یاد میکنیم که انتقام خون پاکشان را از قاتلین ردلو حیوان مفتشان خواهیم گرفت . جاویدان باد خاطره شهیدان قهرمان و حماسه آفرین ایران پیروز باد مبارزه مسلحانه خلق . مستحکم باد وحدت انقلابی پیکار گسران .

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر



اصغر بدیع زادگان



سعید محسن



محمد حنیف نواز



محمود عسکری زاده



رسول مشکین فام



علی باکری

بها معادل ۱۲ ریال

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

www.peykar.org

جانبداران اصل عبودیت نه فاع و وظیفه خود یافتند که مدافعان زندانیان
سیاسی را بتدریج چاپ و منتشر سازند . مدافعان شهدا اعضا " سازمان
مجاهدین خلق ایران بر اساس این خطه و ربط تکثیر میشوند